



ادامه اعتصاب و تجمع در نفت "تورم صددرصدی، افزایش دهمدرصدی"

گسترش خیزش ستمدیدگان برای کار، نان و آزادی



تورم صددرصدی، افزایش دهمدرصدی، یکی از شعارهای صدها کارگر قرارداد موقت نفت و گاز و حفاری است که در تجمع روز ۲۴ اردیبهشت سر دادند. روز شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ نزدیک به ۷۰۰ تن از نیروهای قرارداد موقت شرکت‌های ملی مناطق نفتخیز جنوب و شرکت ملی حفاری ایران در بولوار پاسداران شهر اهواز مقابل دفتر شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب (۴ طبقه) تجمع اعتراضی برپا کردند. در صفحه ۳

خیزش جدید ستمدیدگان ایران که ۱۵ اردیبهشت از شهر سوسنگرد خوزستان آغاز شد، در روزهای اخیر به شهرها و استان‌های دیگر از جمله چهارمحال بختیاری، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، نیشابور، کرمانشاه، یزد، گیلان، خراسان و تهران (فشافویه و رضویه) رسید. در این اعتراضات، ستمدیدگان جامعه با شعارهایی همچون مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر رئیسی در برخی از شهرها همچون جوفان، ایذه، دزفول، یاسوج، هفشجان و فشافویه به مراکز نظامی، مذهبی و فروشگاه‌های زنجیره‌ای متعلق به نهادهای حکومتی یورش برده و با آن‌ها را به آتش کشیدند. در بسیاری از شهرها، بویژه شهرهای بزرگ مانند تهران نیز حکومت نظامی اعلام نشده برقرار است و نیروهای سرکوب به صورت وسیعی برای جلوگیری از شکل‌گیری اعتراضات در شهر مستقر شده‌اند.

تغییر تاکتیک، نیاز کنونی جنبش معلمان برای مقابله با وحشی‌گری جمهوری اسلامی

با عمیق‌تر شدن بحران‌های نظم حاکم بر ایران و تشدید و گسترش مبارزات توده‌ای، جمهوری اسلامی بر ابعاد و شدت بازداشت، پرونده‌سازی و سرکوب فعالان جنبش‌های اجتماعی افزوده است. اگر به اتفاقات دو هفته اخیر در جنبش اعتراضی معلمان نظری بیاوریم، در پی فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" به تجمع و اعتراض معلمان و بازنشستگان فرهنگی در اول ماه مه، رژیم سرکوبگر و استبدادی حاکم که از اتحاد کارگران



این‌بار نیز همچون آبان ۹۸ که بالا رفتن قیمت بنزین شعله‌های قیام را برافروخت، افزایش بهای ضروری‌ترین نیازهای مردم همچون نان، مردم ستمدیده از سال‌ها رنج و بی‌عدالتی و سرکوب را به خیابان‌ها کشاند. اما پاسخ حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی به خواست‌های برحق ستمدیدگان جامعه مانند همیشه گلوله و زندان بود. اخباری که تاکنون منتشر شده حاکی از کشته شدن ۴ تن از معترضان با نام‌های امید سلطانی ۲۱ ساله در اندیمشک، پیش‌علی غالبی حاجیوند در دزفول، حمید قاسم‌پور در شهر فارس توسط واحدهای ضد شورش پلیس و سعادت هادی‌پور در هفشجان (با تیراندازی نیروهای بسیج) می‌باشد. همچنین تعداد زیادی از معترضان دستگیر شده‌اند. در برخی از شهرها تعداد دستگیرشدگان به ده‌ها نفر می‌رسد. قطع اینترنت نیز یکی از روش‌های همیشگی رژیم بزدل جمهوری اسلامی برای جلوگیری از انتشار اخبار و سازماندهی تجمعات اعتراضی در روزهای اخیر بوده است.

در صفحه ۱۰

صدای جنبش دانشجویی بلندتر می شود

بحران و تلاطمات سیاسی سر تا سر جامعه را فرا گرفته است. اعتراضات توده‌ای از هر سو در حال گسترش است. معلمان پر شورتر از قبل مطالبات خود را در کف خیابان فریاد می‌زنند. بازنشستگان با عزمی راسخ بر برپایی یکشنبه‌های اعتراضی اصرار دارند. کارگران با شور و شوق بیشتری به مبارزه روی آورده‌اند. اعتصابات کارگری در ابعاد وسیعتری شکل گرفته است. فقر و گرانی بیداد می‌کند.

در صفحه ۵

در صفحه ۲

موج تظاهرات در اعتراض به گرانی نان و افسارگسیختگی تورم

در صفحه ۴

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
خیزش توده‌ای علیه گرانی و فلاکت، علیه جمهوری اسلامی

در صفحه ۷

تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری نفت و گاز و حفاری در اهواز

در صفحه ۶

گسترش خیزش ستم‌دیدگان برای کار، نان و آزادی

موضوع که افزایش بهای نان و دیگر کالاهای ضروری مردم می‌تواند منجر به اعتراضات خیابانی شود، چرا دست به این کار زد؟! سیاست جمهوری فاشیستی اسلامی به‌طور خلاصه عبارت است از دروغ و رباکاری در مورد هدف اصلی از گران کردن نان و دیگر مایحتاج مردم، انداختن بار ورشکستگی مالی و بحران اقتصادی رکود - تورمی بر دوش مردم و بالاخره سرکوب مردم معترض به ظلم و بی‌عدالتی.

از خامنه‌ای تا رئیسی و نوچه‌های‌شان همچون وزرای کابینه همگی ادعا کرده‌اند که "ارز ترجیحی" فسادآور بوده و ما می‌خواهیم با این کار "یارانه را مستقیماً به مردم برسانیم". حتا ابراهیم صیامی مزدور که بر منصب مدیرکل "آیندپژوهی وزارت اقتصاد" تکیه داده و حتما مانند دیگر مزدوران و فاسدان شریک در قدرت از وضعیت مالی خوبی نیز برخوردار است، گفت: "خانوارها برای مصرف کالاهایی که ارز ترجیحی آن حذف شده با یارانه نقدی جدید مبلغی را هم اضافه می‌آورند!!"

این سخنان وقیحانه، مردم ستم‌دیده‌ی ایران را به یاد سخنان احمدی‌نژاد در زمان حذف یارانه‌ها با اسم رمز "هدفمندسازی یارانه‌ها" می‌اندازد که امروز نتایج وخیم آن برای کارگران و زحمتکشان و تأثیرش بر افزایش سرعت ثروت گروهی اندک بر همگان روشن است.

برای فهمیدن دروغ و رباکاری مقامات کنونی جمهوری اسلامی همین کافی‌ست تا در نظر داشته باشیم که قدرت خرید یارانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومانی امروز حتا از ۴۵ هزار تومان سال ۸۹ که طرح "هدفمندسازی یارانه‌ها" کلید خورد به مراتب کمتر است. آن زمان حذف یارانه‌ها محدود به برخی کالاها بود، اما امروز به‌طور واقعی نرخ تمام کالاها آزاد شده است. به اعتراف مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی، رژیم با این کار نه ۴ کالا که ۴۰۰۰ کالا را گران کرده است. برنج ایرانی درجه یک در سال ۸۹ کیلویی ۲۹۵۰ تومان بود که امروز به بالای ۱۰۰ هزار تومان رسیده است یعنی بیش از ۳۳ برابر. بهای یک شانه تخم‌مرغ ۳۴۸۰ تومان بود که با نرخ مصوب اخیر "ستاد تنظیم بازار" به ۸۰ هزار تومان رسید یعنی بیش از ۲۰ برابر. بهای مرغ نیز از کیلویی ۲۸۹۰ تومان به ۶۰ هزار تومان رسید یعنی باز بیش از ۲۰ برابر و بالاخره بهای روغن مایع کیلویی ۱۹۶۰ تومان بود که با مصوبه اخیر بهای روغن ۸۱۰ گرمی به ۶۳ هزار تومان رسید، به عبارتی دیگر بیش از ۴۰ برابر. انواع حبوبات، شیر، ماست، پنیر و بسیاری دیگر از مایحتاج ضروری مردم نیز به این سرنوشت دچار شده‌اند، بهای یک کیلو نخود از ۱۲۲۰ تومان در سال ۸۹ به ۵۰ هزار تومان رسیده است. حتا به‌طور واقعی قیمت‌های

مغازه‌ها از قیمت‌های اعلام شده از سوی "ستاد تنظیم بازار" بیشتر است. به‌اعتراف برخی از رسانه‌های وابسته به حکومت قیمت یک شانه تخم‌مرغ در بازار به ۹۸ هزار تومان و قیمت یک کیلو مرغ به ۶۴ هزار تومان رسیده است. بدین ترتیب ابراهیم رئیسی که پیشتر وعده داد بود تورم را تک رقمی خواهد کرد، در کمتر از یک سال به جای تک رقمی کردن، تورم را سه رقمی کرد.

جدا از این‌که به بسیاری از مردم یارانه تعلق نگرفته است، موضوع این است که اگر تا پیش از این یارانه نقدی و معیشتی (بعد از گران کردن بنزین) در مجموع به ۱۰۰ هزار تومان برای هر نفر می‌رسید الان به جای ۱۰۰ هزار تومان به برخی ۴۰۰ هزار تومان و به برخی ۳۰۰ هزار تومان داده می‌شود، اما در عوض حتا نان را نیز باید برای برآوردن نیاز واقعی به نرخ آزاد تهیه کنند. به‌گفته‌ی اصغر پابرجا رئیس اتحادیه نانویان تهران، به هر نفر ۲۵۰ گرم نان یارانه‌ای تعلق می‌گیرد و این یعنی دو عدد نان لواش، یا یک تافتون و یا نصف نان سنگک یا بربری که حتا برای تامین نیاز نان صبحانه (به‌ویژه برای جوانان) کافی نمی‌باشد، تا چه رسد به نهار و شام.

احسان اردکانی عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس اسلامی در همین رابطه گفت: "پیش‌بینی ما این است که بعد از آزادسازی، قیمت نان افزایش چهار برابری خواهد داشت. قیمت نان سنگک ۱۵۰۰ تومانی به هفت هزار تومان می‌رسد. در مورد تخم‌مرغ دو تا سه برابر افزایش قیمت خواهیم داشت. قیمت مرغ به ۸۰ هزار تومان خواهد رسید... یکی از وزرا اعلام کرد که ما سرانه الگوی مصرف برای نان تعریف کردیم که زیر آن سقف یارانه تعلق می‌گیرد و بالای آن باید آزاد پرداخت شود" (اعتماد آنلاین). در این روزها همچنین شاهد افزایش بهای دلار هستیم به نحوی که در مدتی کوتاه به بالای ۳۰ هزار تومان رسید. آنچه امروز کارگران و زحمتکشان جامعه شاهد آن هستند تورم سرسام‌آوری‌ست که حتا در طول حیات حکومت اسلامی هم نظیر نداشته است. واقعیت این است که یارانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومانی به‌طور واقعی حتا هزینه نان خالی یک نفر را تامین نخواهد کرد!! در حالی که خط فقر سال گذشته براساس آمارهای رسمی ۱۲ میلیون و براساس آمارهای واقعی‌تر ۱۶ میلیون بوده، طبیعی‌ست که با افزایش اخیر قیمت‌ها این مبلغ یارانه مشکلی از مردم ستم‌دیده حل نمی‌کند، همان‌طور که اقتصاددانان حکومتی نیز به آن اعتراف می‌کنند.

جمهوری اسلامی با آزادسازی قیمت‌ها، از جیب مردم برای کاهش بحران مالی خود استفاده می‌کند. واقعیت این است که جدا از فساد سازمان

یافته در جمهوری اسلامی، دولت در ایران با دستگاه عریض و طویل نظامی، مذهبی و بوروکراسی هزینه‌های زیادی بر دوش مردم ایران انداخته است و هر بار که حکومت برای هزینه‌های این دستگاه‌های مفت‌خور دچار کمبود می‌شود، به سراغ سفره مردم می‌رود. برای نمونه دستگاه نظامی رژیم را در نظر بگیریم. کشوری که ۹۰ درصد مردم آن به‌طور واقعی در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از نظر رفاه مردم در سطح آخرین کشورهای دنیا است، از نظر هزینه‌های نظامی جزو ۱۵ کشور اول جهان است. براساس آمار منتشره از سوی موسسه صلح استکهلم (سیپری) هزینه نظامی ایران در سال ۲۰۲۱ میلادی بالغ بر ۲۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده و بدین ترتیب ایران بالاتر از اسرائیل در رده ۱۵ قرار گرفت. براساس این گزارش بودجه سپاه پاسداران در این سال ۲ برابر شده است. دیگر نکته مهم این است که گزارش "سیپری" در برگزیده‌ی هزینه‌های نظامی مخفی جمهوری اسلامی نیست. چرا که جمهوری اسلامی برای پیشبرد جنگ در یمن، سوریه و هزینه‌های نیروهای شبه نظامی همچون حزب‌الله پول بسیار زیادی از جیب همین مردم معترض می‌دزد. پولی که متعلق به مردم است، اما برخلاف میل آن‌ها صرف چاق کردن مزدوران گروه‌های جنایت‌پیشه‌ای همچون حزب‌الله لبنان شده و یا برای کشتار غیرنظامیان همچون زنان و کودکان در یمن و سوریه هزینه می‌شود.

در نتیجه این سیاست‌هاست که توده‌های کار و زحمت مدام فقیرتر می‌شوند، بخش‌هایی از خردبورژوازی صنعتگر با کاسبکار ورشکست شده و گروه‌های بیشتری از اقشار متوسط جامعه به صفوف فقرا می‌پیوندند، اما در آن سو سرمایه‌داران با خیال راحت و با سرعت بیشتری بر ثروت خود می‌افزایند. این نتیجه طبیعی ادامه و تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی و سیاست‌های طبقه حاکم است.

بنابراین تمام تبلیغات دروغین و رباکارانه جمهوری اسلامی، مانند همیشه برای پوشاندن اهداف واقعی آزادسازی قیمت‌هاست و چون مردم به‌خوبی از اهداف واقعی رژیم آگاه هستند، فریب تبلیغات دروغین رژیم را نخورده و دست به اعتراض می‌زنند، حکومت نیز وقیحانه از ابزار سرکوب برای خاموش کردن فریاد اعتراض مردم استفاده می‌کند، تنها ابزاری که می‌شناسد و همان‌چیزی که امروز در بسیاری از نقاط کشور شاهد آن هستیم.

اما در برابر رژیمی که سیاست‌هایش تماماً علیه کارگران و زحمتکشان است و تنها پاسخش استفاده از اسلحه و زندان، چه باید کرد؟! دور جدید اعتراضات که از شهر سوسنگرد آغاز شد، ریشه درخواست‌هایی دارد که مختص تنها بخشی از جامعه نیست، بلکه خواست‌های تمامی کارگران و زحمتکشان ایران، تمامی ستم‌دیدگان این جامعه ستم‌زده است. این خواست‌ها نتیجه

ادامه اعتصاب و تجمع در نفت "تورم صددرصدی، افزایش دهم درصدی"



کارگران بخش دولتی هم می‌شد. این موضوع اعتراض شدیدی را نه فقط در میان کارمندان بلکه اعتراض و ناراضی‌بانی بسیار شدید کارگران از جمله اعتراض ۳۴ هزار کارگر قرارداد موقت نفت و گاز و حفاری را نیز در پی داشته است. ماجرا به آنجا برمی‌گردد که وزارت نفت نه فقط ده سال مبارزه و تلاش این کارگران برای تبدیل وضعیت و انعقاد قرارداد دائمی را نادیده گرفته بلکه همگی این ۳۴ هزار کارگر را از زیرپوشش مقررات خود خارج ساخته و مبالغ کم‌تر رفاهی را که به کارگران تعلق می‌گرفته یکسره قطع نموده است. در عین حال دولت اعلام کرده است این کارگران مشمول قانون کار و تابع مقررات وزارت کار هستند. اما نه کمک‌های رفاهی وزارت نفت را به کارگران داده‌اند و نه قانون کار و مقررات وزارت کار در زمینه افزایش دستمزد را در مورد این کارگران به مرحله اجرا گذاشته‌اند. استعمار کارگران قرارداد موقت، زور و اجحاف و ستمی که در حق این کارگران اعمال می‌شود روز به روز فزونی گرفته است. بسیاری از کارگران این بخش علی‌رغم سابقه کار طولانی‌گانه بیشتر از ۱۵ سال کماکان با قراردادهای موقت یک‌ساله کار می‌کنند. هیچ‌گونه ضمانت شغلی ندارند. آینده شغلی آن‌ها مبهم و ناروشن است. سنگین‌ترین کارها و فشارها بردوش حدود ۷۵۰۰ کارگر عملیاتی غالباً متخصص قرار دارد. در حالی که فشار کار بسیار بالاست اما دستمزدها فوق‌العاده پایین و ناکافی است. وضعیت معیشتی کارگران بسیار فقیرانه و بحرانی است. شدت و فشار کار و تنگناهای معیشتی به حدی زیاد است که انبوهی از کارگران به مصرف داروهای تسکین اعصاب روی آورده‌اند. آمار طلاق و از هم‌پاشی خانواده‌ها و گرایش به خودکشی در حال افزایش است. ناراضی‌بانی در میان کارگران از هر زمان دیگری بیشتر است. به خاطر ناراضی‌بانی و مخالفت شدیدی که موضوع افزایش ۱۰ درصدی دستمزد و حقوق در میان کارگران و زحمتکشان برانگیخت، سرانجام مجلس و شورای نگهبان ظاهراً حکم ابطال و حذف بند ۴-۱ و تبصره ۱۲ قانون بودجه را صادر کرد. معنای حذف این بند و تبصره قانون بودجه باید این می‌بود که دستمزد کارگران قرارداد موقت نفت و گاز و حفاری مطابق مصوبه شورای عالی کار وزارت کار از فروردین سال جاری به میزان ۵۷ درصد اضافه شود. اما هنوز جوهر مصوبه مجلس و شورای نگهبان آن خشک نشده بود که به پیشنهاد سازمان برنامه‌ریزی، هیئت‌وزیران در جلسه یازده اردیبهشت ۱۴۰۱ دوباره رقم ۱۰ درصد را تأیید کرد. در بند ۳ این مصوبه به صراحت گفته شده افزایش حقوق کارکنان و مؤسسات وابسته به دولت و کارگران دولتی مشمول قانون کار و

وحشیانه‌ای استعمار می‌شوند و کمترین دستمزدها را می‌گیرند. شرایط کاری این کارگران چنان حاد و سخت و دشوار و استعمار و بی‌حقوقی چنان شدید و وسیع است که "شبه برده‌داری" خوانده شده است. این کارگران در تجمعات مکرر و سازمان‌دهی اعتصابات پرشور سراسری و هماهنگ در دو سال گذشته، نسبت به وضع موجود و برای تغییر آن، مکرر دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند. این اعتصابات و تجمعات اعتراضی در سال جاری نیز ادامه یافته است. نیروی اصلی اعتصاب‌های سراسری را همین کارگران تشکیل می‌دهند و از همه بیشتر تحت‌فشارند.

طبقه سرمایه‌دار حاکم و دولت این طبقه برای سازمان‌دهی استعمار شدید و بی‌سروصدای کارگران و برای خرید هرچه ارزان‌تر نیروی کار، سعی نموده با شقه‌شقه کردن کارگران و تقسیم آنان به دسته‌های مختلف، مانع اتحاد کارگران شود. این طبقه با تقسیم کارگران به کارگران رسمی و غیررسمی، کارگران پیمانی، پروژه‌ای، قرارداد موقت، حجمی، شرکتی غیره و غیره، تمام تلاش خویش را به کار بسته تا در میان کارگران نفاق و چنددستگی ایجاد کند. در ادامه همین سیاست تقسیم‌بندی و نفاق‌افکنی و تقسیم کارگران به رسمی و غیررسمی، کارگران غیررسمی را نیز به چند دسته مانند کارگران قرارداد موقت، پروژه‌ای، پیمانی، حجمی و غیره تقسیم نموده است. حتی از این هم فراتر، گروه بزرگ کارگران قرارداد موقت معین را نیز سعی نموده بر اساس سابقه کار به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم کند. طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی حاکم همه‌گونه تلاش را به‌کار برده‌اند تا مانع اعتصابات و اتحاد و همبستگی کارگران نفت شوند. اما علی‌رغم تمام این تلاش‌های مذبحانه، اولاً اعتراضات و اعتصابات کارگران نفت و گاز و حفاری و پتروشیمی پیوسته در حال افزایش بوده است و ثانیاً اتحاد و هماهنگی در میان نیروی کار بخش‌های مختلف صنعت نفت، تقویت شده و به‌طور نسبی از استحکام بیشتری برخوردار شده است.

مادام که مطالبات کارگران برآورده نشده باشد، این تجمعات و اعتصابات ادامه خواهد داشت. افزایش دستمزد یکی از خواست‌های بسیار مهم عموم کارگران نفت و گاز و حفاری است که تا این لحظه بلاجواب مانده است. در تجمعات و اعتصابات گسترده و فراگیر سال گذشته، بسیاری از سرمایه‌داران و کارفرمایان، وعده دادند دستمزدها را افزایش دهند و طرح بیست روز کار ده روز استراحت را اجرا کنند. اما این وعده‌ها جز در موارد معدودی، پوچ و توخالی از کار درآمده و اجرایی نشد. اکنون یکی از خواست‌های بسیار مهم و مبرم ده‌ها هزار کارگر صنعت نفت از جمله ۳۴ هزار نیروی کار قرارداد موقت افزایش فوری دستمزد است. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ در بند ۴-۱ و تبصره ۱۲ افزایش حقوق کارکنان دولت رقم ۱۰ درصد در نظر گرفته شده بود که در واقع شامل حال

کردند. صدها کارگر نفت و گاز و حفاری که سال‌هاست با قراردادهای مدت معین یک‌ساله در بدترین و سخت‌ترین شرایط کار می‌کنند و به‌شدت استعمار می‌شوند، به نمایندگی از ۳۴ هزار کارگر قرارداد موقت که در شرکت ملی حفاری و ده‌ها شرکت در مناطق نفت‌خیز جنوب مشغول به کارند، در تجمع اعتراضی خود ضمن سردادن شعارهایی چون: "حق مونو می‌گیریم- ذلت نمی‌پذیریم، وعده وعید کافیست- سفره ما خالی، تورم صددرصدی افزایش دهم درصدی" خواستار رسیدگی به خواست‌های خود از جمله افزایش فوری دستمزد شدند. سه روز قبل از آن (۲۱ اردیبهشت) کارگران قرارداد موقت معین گچساران نیز در اعتراض به وضعیت شغلی و بلاتکلیفی چندین ساله و همچنین برای افزایش دستمزد، تجمع اعتراضی بزرگی را مقابل دفتر مناطق نفت‌خیز جنوب در گچساران برپا کرده بودند. تجمع گسترده اخیر که با فراخوان قبلی، سازمان‌دهی و برگزار شد، در ادامه سلسله اعتصابات و تجمعات رو به گسترش ده‌ها هزار کارگر پیمانی و پروژه‌ای و هزاران نیروی قرارداد موقت نفت و گاز و حفاری مشغول به کار در شرکت ملی حفاری و ده‌ها شرکت در مناطق نفت‌خیز جنوب در سال جاری است. کارگران مبارز و معترض نفت و گاز و حفاری در تجمع اخیر خود، درجا قرار تجمع بعدی را گذاشتند و فراخوان تجمع در همان مکان، برای روز دوشنبه ۲۶ اردیبهشت، با خواست افزایش دستمزد و تبدیل وضعیت را صادر کردند. کارگران همچنین هشدار دادند چنانچه به خواست‌هایشان رسیدگی نشود، تجمعات اعتراضی خود را به تهران خواهند کشاند.

وعده‌های عمل نشده در تجمعات و اعتصابات قبلی به‌ویژه تجمعات و اعتصابات سراسری و فراگیر سال گذشته، توأم با تورم افسار گسیخته و گرانی‌های جدید، ناراضی‌بانی و روحیه اعتراضی در صفوف کارگران نفت را که از قبل نیز به‌شدت افزایش یافته بود، بیش‌ازپیش تشدید نموده است. اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران نفت که از اوایل اردیبهشت رو به گسترش نهاده بود، در روزهای بعد نیز همچنان ادامه یافته است. اعتصاب و تجمع کارگران قرارداد موقت گچساران در ۲۱ اردیبهشت و اعتصاب و تجمع صدها کارگر قرارداد موقت شهرها و شرکت‌های مختلف در بولوار پاسداران شهر اهواز مقابل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در ۲۴ اردیبهشت، تنها نمونه‌هایی از ده‌ها اعتصاب و تجمع اردیبهشت‌ماه کارگران نفت و گاز و حفاری است.

این واقعیتی است که همه کارگران نفت به‌ویژه کارگران غیررسمی از جمله ۱۲۶ هزار کارگر پیمانی و پروژه‌ای و ۳۴ هزار کارگر قرارداد موقت تحت‌فشارهای بسیار شدید اقتصادی و معیشتی قراردادند. کارگران پروژه‌ای و پیمانی که زیر شدیدترین فشار کاری قرار دارند و قشر پائینی کارگران نفت را تشکیل می‌دهند، به نحو



موج تظاهرات در اعتراض به گرانی نان و افسارگسیختگی تورم

تظاهرات و درگیری‌های گسترده‌ای که در پی گرانی نان و موج گسترده افزایش بهای کالاها از دو روز پیش در خوزستان آغاز گردید، به‌رغم سرکوبگری نیروهای مسلح رژیم جنایتکار و آدمکش جمهوری اسلامی به‌سرعت در حال گسترش به استان‌ها و شهرهای دیگر است. مردمی که از ستمگری‌های جمهوری اسلامی جانشان به لب رسیده بار دیگر به پا خاسته‌اند. روز پنج‌شنبه ۲۲ اردیبهشت، در اغلب شهرهای خوزستان تظاهرات مردم و درگیری با واحدهای ضد شورش رژیم در خیابان‌ها ادامه داشت. مردم ایذه برای چندمین روز متوالی به نبرد ادامه دادند. در اندیشک مزدوران مسلح رژیم برای مقابله با تظاهرات، مستقیماً به‌سوی مردم آتش گشودند. از تعداد تلفات هنوز گزارشی دقیقی ارسال نشده است. در دزفول تظاهرکنندگان همچنان در خیابان‌ها حضور دارند. در شهر فلاحیه شادگان، مردم مبارز، حوزه علمیه ارتجاع حاکم را این شهر را به آتش کشیدند. در یاسوج، تظاهرات مردم مورد یورش نیروی ضد شورش قرار گرفت و تعدادی بازداشت شدند. در استان چهارمحال و بختیاری، مردم جونقان پایگاه بسیجیان مزدور را به آتش کشیدند. مردم دورود در لرستان با شعار مرگ بر خامنه‌ای به خیابان‌ها آمدند. در کرمانشاه، تظاهرکنندگان عکس خامنه‌ای را پائین کشیدند و آتش زدند. به‌رغم وحشی‌گری نیروهای مسلح رژیم و تیراندازی مستقیم به‌سوی مردم، تظاهرات خیابانی در خوزستان و استان‌های غرب کشور پیگیرانه ادامه دارد.

این مبارزات مردم گرسنه، فقیر و بی‌کار در اعتراض به گرانی نان و دیگر کالاها در حالی ادامه یافت که هزاران تن از معلمان نیز در همین روز در متجاوز از ۳۳ شهر کشور با تجمعات اعتراضی و سردادن شعار علیه مقامات دولتی، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط ده‌ها معلم زندانی و تحقق مطالبات خود شدند. کارگران و زحمتکشان! مردم ستم‌دیده سراسر ایران!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که تمام موجودیتش با کشتار و جنایت عجین است و میلیون‌ها تن از مردم ایران را با سیاست‌های ارتجاعی‌اش به فقر و فلاکت هولناکی سوق داده است، در واپسین لحظات حیات ننگینش قرار گرفته است. مردم شهرهایی را که به مبارزه علیه گرانی نان و رشد افسارگسیخته تمام کالاها روی آورده‌اند، تنها نگذارید. با برپائی تظاهرات و اعتصابات در تمام استان‌ها و مناطق کشور به یاری مردمی برخیزید که در همین لحظه در خیابان‌های تعدادی از شهرهای کشور به نبرد برای مقابله با سیاست‌های ارتجاعی رژیم و سرنگونی جمهوری اسلامی برخاسته‌اند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از مبارزه قهرمانانه مردم خوزستان و استان‌های غربی کشور که در واقعیت، نبردی برای سرنگونی رژیم ستمگر حاکم است، حمایت می‌کند و عموم کارگران و زحمتکشان سراسر کشور را به برپائی تظاهرات و اعتصابات برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرامی‌خواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

ادامه اعتصاب و تجمع در نفت "تورم صددرصدی، افزایش ده‌درصدی"

شرکت‌هایی از قبیل شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۴۰۱ ده درصد خواهد بود. این در حالی است میزان تورم در برخی کالاها اساسی صد درصد و بیشتر از صد درصد افزایش یافته است. شعار بجای تجمع شنبه ۲۴ اردیبهشت نزدیک به ۷۰۰ کارگر قرارداد موقت نفت و گاز و حفاری در اهواز مبنی بر "تورم صددرصدی، افزایش ده‌درصدی" اشاره به همین موضوع داشت.

مسئله فقط به کارگران قرارداد موقت نفت و گاز و حفاری هم ختم نمی‌شود. هم‌اکنون بسیاری از کارگران نیروگاه‌ها و کارگران برق، کارگران معادن از جمله بسیاری از معادن زغال‌سنگ نیز نسبت به این مصوبه ضد کارگری هیئت‌وزیران معترض و خواهان افزایش ۵۷ درصدی دستمزد هستند. اخبار و گزارش‌های موجود حاکی از آن است که بسیاری از سرمایه‌داران و کارفرمایان، به مصوبه مزدی شورای عالی کار اعتنایی نکرده‌اند.

روشن است که دستمزدها بدون مبارزه کارگران افزایش نخواهد یافت. مبارزات کارگران قرارداد موقت نفت برای افزایش دستمزد تا همین‌جا روند خوبی را طی کرده است. ده‌ها تجمع و اعتصاب با خواست محوری افزایش دستمزد در طی کمتر از دو ماهی که از سال ۱۴۰۱ گذشته، حاکی از استمرار مبارزه و پیگیری کارگران نفت است. البته گرایش ضعیفی نیز وجود دارد که می‌خواهد از طریق نامنکاری به وزیر نفت و امثال آن موضوع افزایش دستمزد را پیگیری کند. اما تجربه مبارزات کارگران مکرر این موضوع را ثابت کرده است که خواست افزایش دستمزد و هیچ خواست دیگری از طریق نامنکاری به مجلس و فلان وزیر و مقام دولتی محقق نخواهد شد. تنها با مبارزه متحد و اعتصابات یکپارچه و گسترده کارگری می‌توان سرمایه‌داران و دولت آن‌ها را به عقب‌نشینی واداشت. بنابراین کسانی که در گام نهادن در این راه هنوز تردیدهایی دارند، باید به این تردیدها و محافظه‌کاری پایان دهند و به اعتصابات و تجمعات اعتراضی به پیوندند.

اعتصابات و تجمعات اعتراضی و مکرر کارگران قرارداد مدت معین، گویای رشد تشکل یابی و اتحاد و همبستگی درمیان این کارگران است. مبارزات این کارگران را باید به مبارزات سایر کارگران نفت به‌ویژه کارگران پیمانی و پروژه‌ای پیوند زد. وظیفه کارگران آگاه و پیشرو است که این مبارزات را به هم پیوند زده و اتحاد و هماهنگی میان کارگران را استحکام بیشتری ببخشند. بسیار مهم است در شرایطی که صدای اعتراض و تظاهرات خیابانی از هر گوشه‌ای برخاسته و ستم‌دیدگان و تهیدستان جامعه بار دیگر وارد خیابان‌ها شده‌اند، کارگران با سازمان‌دهی اعتصابات گسترده و سراسری به مدد آنان برخیزند، کارخانه و خیابان را به هم گره زنند و با اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بساط نظم موجود را برای همیشه برچینند.

صدای جنبش دانشجویی بلندتر می شود

کند. افزایش قیمت اقلام خوراکی به طرز سرسام آوری بالا رفته است. با موج گرانی های جدید، توده های جان به لب رسیده به اعتراضات خیابانی روی آورده اند. حال در چنین وضعیتی متلاطم که جامعه با تکان های بزرگ اجتماعی روبرو است، دانشگاه های کشور نیز پس از دو سال تعطیلی بازگشایی شده اند. با بازگشایی دانشگاه ها و حضور دانشجویان در مراکز عالی آموزشی، سنگر دیگری که برای دو سال به محاق رفته بود، مجدداً علیه جمهوری اسلامی فعال شده است. جنبش دانشجویی که در روزهای پیش از شیوع کرونا به اوج رسیده بود، پس از دو سال تعطیلی دانشگاه ها، پس از دو سال پراکندگی، پس از دو سال دور ماندن از کلاس درس، اکنون با همان روحیات مبارزاتی ماه های پس از اعتلای جنبش های توده ای دی ماه ۹۶ و قیام آبان ۹۸ و همان شور و حال مبارزاتی روزهای پس از سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراین توسط موشک سپاه پاسداران در ۱۸ دیماه ۹۸ دوباره به دانشگاه ها باز گشته است.

جمهوری اسلامی اما بی توجه به فضای عمومی و گسترش مبارزات توده ای بر این پندار است که با اتکا به تعطیلی دو ساله دانشگاه ها و با ابلاغ یک سری دستورالعمل های سرکوبگرانه از طرف حراست دانشگاه خواهد توانست فضای مراکز آموزش عالی کشور را به کنترل درآورد و جنبش دانشجویی را به سکوت و انفعال سیاسی بکشاند.

لذا، با چنین پنداری خام از همان روزهای نخست بازگشایی دانشگاه به تهدید و ارباب دانشجویان روی آورد. امنیتی کردن فضای دانشگاه، سخت گیری در مورد رعایت حجاب اسلامی، جلوگیری از ورود دانشجویان دختر به بهانه "شل حجابی"، کنترل رفت و آمدهای دانشجویی و دستورالعمل های دیگری از این دست، از جمله مواردی بودند که حراست دانشگاه ها از همان بدو ورود دانشجویان در صدد اجرایی کردن پروژه امنیتی رژیم بر آمدند. در سوی دیگر این ماجرا اما دانشجویانی بودند که به رغم دو سال دوری از دانشگاه و به رغم دو سال پراکندگی با همان روحیات مبارزاتی پیش از تعطیلی دانشگاه ها به کلاس درس باز گشته بودند. دانشجویانی که در این دو سال گذشته در دانشگاه بزرگتری به نام جامعه و با حضور در اعتراضات توده ای تجربه اندوزی کردند و اکنون به تاسی از گسترش مبارزات کارگران و توده های وسیع مردم ایران به محیط آموزشی باز گشته اند.

دانشجویانی که از همان بدو ورود به نیروهای سرکوبگر رژیم نه گفتند و به رؤسای دانشگاه ها نشان دادند که شرایط جامعه عوض شده تا جایی که آنان نیز باید متوجه این تغییرات باشند و بدانند که دانشجویان دیگر به سادگی زیر بار بخشنامه های امنیتی حراست دانشگاه نخواهند رفت و آنگونه که تا کنون نشان داده اند، به آن عمل هم کرده اند.

نخستین حرکت اعتراضی دانشجویان در واکنش به دستورالعمل های سرکوبگرانه حراست و دیگر نیروهای امنیتی مستقر در مراکز آموزش عالی، در دانشگاه علم و صنعت تهران و

دانشگاه تبریز صورت گرفت. اعتراضاتی که می توانست نقطه اتکا و شروع خوبی برای سایر دانشجویان در دانشگاه های دیگر بشود، که این چنین نیز شده است.

دو هفته بعد از اعتراضات دانشگاه علم و صنعت، دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی تهران نیز بر سر بازی فوتبال مختلط با نیروی حراست دانشکده و دفتر امور دانشجویی درگیر شدند. ماجرا از اینجا آغاز شد که روز شنبه، ۱۷ اردیبهشت، دانشجویان جهت گرفتن کلید زمین چمن فوتبال دانشکده به دفتر امور آموزشی مراجعه کردند. دفتر امور آموزشی برای جلوگیری از بازی فوتبال از دادن کلید به آنان خودداری کرد. دانشجویان معترض هم در واکنش به این اقدام دفتر امور آموزشی با شکستن قفل زمین چمن، وارد زمین فوتبال شدند و به صورت مختلط اقدام به بازی فوتبال کردند.

طبیعتاً این اقدام به اصطلاح "هنجار شکنانه" دانشجویان خوشایند حراست نبود و آنان هرگز در خیال خود هم چنین جسارتی را از دانشجویان تصور نمی کردند. لذا، مدتی پس از شروع بازی، تعدادی از نیروهای حراست به سمت زمین فوتبال دانشکده هجوم می برند تا دانشجویان دختر و پسر را از بازی فوتبال مختلط باز دارند. دانشجویان اما در مقابل افراد حراست ایستادگی می کنند و ماجرا حتا به برخورد و درگیری های فیزیکی میان حراست و دانشجویان نیز منجر می شود. ویدئو و فیلم هایی که از ماجرای آن روز انتشار یافته اند، جملگی ایستادگی و مقابله دانشجویان با نیروهای حراست را نشان می دهد.

بهتر است موضوع را از زبان غلامرضا جمشیدی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی بشنویم: " روز شنبه (۱۷ اردیبهشت ماه)، دانشجویان معترض در دفتر من حضور پیدا کردند و من قواعد دانشگاه در خصوص بازی فوتبال، والیبال و غیره را به آنها گوشزد کردم. اما متأسفانه تعدادی از دانشجویان که بعضاً جدیدالورود هم بودند با بنده به تندی صحبت کردند که این نوع برخوردها در دانشگاه به هیچ عنوان درست نیست." وی در ادامه یادآور شده است: "تعدادی از دانشجویان تهدید کردند که دانشگاه یک هفته فرصت دارد که زمینه بازی های مختلط دختر و پسر را در زمین های دانشکده فراهم کند! اما اعلام می کنیم که به هیچ عنوان دانشگاه زیر بار این تهدیدها نخواهد رفت و ما طبق قواعد جمهوری اسلامی اجازه بازی به دانشجویان خواهیم داد." (تاکیدها از ما است)

آنچه در حرکت اعتراضی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی تهران قابل تأمل است و باید به آن توجه کرد، همانا حضور فعال دانشجویان جدیدالورود با به اصطلاح حضور سال اولی ها در این اعتراضات است. چرا که طبق سنت های پیشین جنبش دانشجویی ایران، دانشجویان سال اولی به طور معمول در ماه های اول ورود به دانشگاه از همراهی و حضور در اعتراضات دانشجویی پرهیز می کنند. آنان دست کم چند ماه تا یک سال صبر می کنند، تجربه می آموزند، محیط دانشگاه و فعالیت های اعتراضی را زیر نظر می گیرند و سپس به مرور و با یک شناخت

نسبی که از فعالیت های دانشجویی پیدا می کنند، در کنار و در همراهی با دانشجویان فعال قدیمی به اعتراضات می پیوندند. اتفاقی که در اعتراضات کنونی بسیار متفاوت از تجربه های پیشین جنبش دانشجویی بوده است و این نشان می دهد که دانشجویان پس از دو سال دوری از کلاس های درس اکنون با چه پتانسیل بالایی از اعتراض و مبارزه در کلاس های درس حضور یافته اند.

این ویژگی مبارزاتی و تعرضی دانشجویان به ویژه دانشجویان جدیدالورود، به خوبی بیانگر این واقعیت است که فضای دانشگاه های کشور به شدت از شرایط انقلابی جامعه و اعتراضات رو به رشد کارگران و توده های مردم ایران تأثیر گرفته است. روندی که به طور طبیعی غیر از این هم نمی توانست باشد. این تغییر و تحول انقلابی و روند رو به اعتلای جنبش دانشجویی را پیش از اینکه رئیس دانشکده علوم اجتماعی تهران به آن اعتراف کند، به عینه می توان در قدرت کلام و نوع جسارتی که دانشجویان در مواجهه با رئیس دانشکده و نیروهای سرکوبگر حراست از خود نشان داده اند، دید.

برای فهم بهتر موضوع و درک ارتباط موقعیت کنونی این جنبش با دوران بعد از قیام آبان ۹۸، بهتر است گذری به اعتراضات جنبش دانشجویی در ماه های پیش از تعطیلی دو ساله دانشگاه ها داشته باشیم تا به عینه ببینیم که اعتراضات کنونی دانشجویان تا چه اندازه پیوند خود را با روحیات آن روزهای جنبش دانشجویی حفظ کرده است. با گذری به آن روزها، به روشنی می توان دریافت که جنبش دانشجویی ایران در روزها و ماه های بعد از قیام آبان ۹۸ و پس از آن، در روزهای بعد از سقوط هواپیمای اوکراینی در اوج شکوفایی خود بود.

نشریه کار در بررسی موقعیت مبارزاتی جنبش دانشجویی در روزهای بعد از قیام آبان و بعد از سرنگونی هواپیمای اوکراینی در شماره ۸۵۵ که در تاریخ ۳۰ دیماه ۹۸ منتشر شد، نوشت، مبارزه این بار نخست در چند دانشگاه (دانشگاه تهران، امیر کبیر و صنعتی شریف) شعله ور شد. تجمعات متعددی که در این دانشگاه ها نطفه بسته بود، به سرعت به سایر دانشگاه ها و مهمتر از آن به بیرون دانشگاه ها و به خیابان تسری یافت... در موج جدید اعتراض و مبارزه و تا آنجا که به دانشجویان بر می گردد، گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی جنبش دانشجویی با حفظ موقعیت برتر خود در این جنبش و با طرح شعارهایی نظیر "دانشجو کارگر، اتحاد اتحاد"، "دانشجو و کارگر، ایستاده ایم در سنگر" و "فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم" آشکارا در پیوند با مبارزات کارگران و توده های مردم ایران قرار گرفت و گام مهم دیگری به جلو برداشت.

دانشگاه ها با این روحیه مبارزاتی بالای جنبش دانشجویی در اسفند ماه ۹۸ برای دو سال تعطیل شدند. اکنون با بازگشایی دانشگاه ها، دانشجویان در همین فاصله کوتاه نشان داده اند که آنان در پیوند با همان روزهای مبارزاتی جنبش دانشجویی پیش از تعطیلی دو ساله مراکز آموزش عالی کشور به دانشگاه و کلاس درس باز گشته اند. جنبشی که رو به اعتلاست و صدای آن روز به روز هم بلندتر خواهد شد.

تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری نفت و گاز و حفاری در اهواز

صدها کارگر و حقوق بگیر زن و مرد شرکت‌های پیمانکاری نفت و گاز و حفاری از استان‌ها و شهرهای مختلف دور و نزدیک امروز شنبه ۲۴ اردیبهشت جلو اداره مناطق نفت خیز جنوب، در اهواز تجمع اعتراضی بر پا کردند. رژیم سرمایه داری و ضد کارگری جمهوری اسلامی از همان ابتدا در سرسپردگی به طرح‌های ضد کارگری سرمایه داری جهانی و به اجرا گذاشتن آنها در محروم کردن مطلق کارگران از حداقل حقوق خود کمترین درنگی نکرد. این در حالی بود که خیلی از کشورهای سرمایه داری اصطلاحاً پیرامونی و کمتر توسعه یافته با تامل و تردید و با فکر و برنامه تن به اجرای طرح‌های نیمه و نسبی ضد انسانی و ضد کارگری سیستم سرمایه داری جهانی دادند و از پی آمد ویرانگر و استثمار و وحشیانه و سیری ناپذیر آن و دروخت از اعتراض‌های عمومی کارگران در بیم و هراس بودند.

رژیم ارتجاعی و سرمایه داری جمهوری اسلامی با رهنمود از کارشناسان سرمایه داری و امپریالیست‌های جهانی، اول بار طرح تفکیک و شقه شقه کردن طبقه کارگر ایران را در شرکت نفت بعنوان بزرگترین واحد کارگری و مادر صنایع ایران به اجرا در آورد و بعد آن را به دیگر واحدهای تولیدی و کارگری تعمیم و گسترش داد و سپس عمومی کرد. یکی از پایه‌ای‌ترین موانع بر سر راه جنبش طبقه کارگر ایران و گذاری کارها به پیمانکاران و تفکیک کارگران به رده‌های جداگانه حقوقی است. تبعیض آمیزترین نوع از روابطی است که میان کارگران واحد‌های یک صنعت و مرکز تولید و کارخانه و در مقیاس عمومی میان طبقه کارگر ایران در جریان است. با عبور از این قانون تبعیض آمیز است که طبقه کارگر ایران در یک سطح ارتقا یافته‌ای مبارزه خود را پیش می‌برد.

تجمع اعتراضی این کارگران پروژه ای نفت و گاز و حفاری به دنبال فراخوان قبلی و در ادامه مبارزات این کارگران در سالهای اخیر است که شکل گرفت با خواسته‌های همسان سازی حقوقی و افزایش مدت زمان استراحت (رست) به مدت هر ماه ده روز و همچنین مطالبه فوری افزایش دستمزد و حقوق متناسب با تورم موجود. از جمله شعارهایی که این کارگران در تجمع خویش با صدای بلند سر دادند- "تورم صد درصدی، افزایش ده درصدی" و "وعده‌های تو خالی، افزایش پوشالی" بود. در حالی این کارگران به افزایش ناچیز دستمزد خود اعتراض می‌کنند که رژیم افزایش ۵۷ درصدی را به دستمزدهای کارگری تخصیص داده که این حقوق چند برابر زیر خط فقر تعیین شده است. این کارگران نسبت به هویت حقوقی دو گانه‌ای که در مورد آنان اجراء می‌شود اعتراض داشتند- "حقوق ما کارگری، عیدی ما کارمندی،!"

صدها کارگر پیمانکاری و پروژه ای و قرارداد موقت زن و مرد معترض نفت و گاز و حفاری در پایان تجمع میان خودشان قرار گذاشتند که در اولین فرصت پیش رو و در مدت زمان کم دوشنبه همین هفته با اجتماع مجدد تحقق خواسته‌های خود را پیگیری خواهند کرد. آنان کارفرما را مخاطب قرار داده و رو به همکاران خود گفتند "چنانچه پاسخ نگیریم خواسته‌های خود را با جمعی گسترده‌تر در تهران پیگیری می‌کنیم." در همین خصوص و در تدارک سفر به تهران، نام نویسی شروع شد.!

مبارزات کارگران ایران در این سالهای بحرانی و سخت حرکت‌های رغبت انگیز و روبرو جویی در عرصه تجمع‌های اعتراضی و اعتصابی داشته‌اند، موجبات انگیزه مبارزات عمومی اجتماعی را در جامعه و وسعت بخشیده است. امروز که جامعه ملت‌هپ است و تب انقلاب اجتماعی خیلی از شهرها را فرا گرفته، اهمیت جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بیش از هر زمانی است. حلقه‌های تجمع و اعتراض می‌تواند در شرایط متغییر و متحول به یک اعتصاب عمومی سیاسی منجر شود.

زنده باد مبارزات سراسری و اعتصاب عمومی سیاسی!
زنده باد انقلاب سوسیالیستی!

کریم شهبازی کارگر پروژه ای موقت نفت و گاز
۴۰۱ / ۲ / ۲۴



کار - نان - آزادی - حکومت شورایی



**شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست**

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست خیزش توده ای علیه گرانی و فلاکت ، علیه جمهوری اسلامی

به دنبال سلاخی بیشتر سفره های خالی مردم توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، حذف ارزش ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی ، شیخون به آخرین "سنگرهای غذایی" اردوی کار و رنج نیز آغاز شده است . با ده برابر شدن بهای آرد صنعتی و سهمیه بندی "نان سنتی" و نیز دو تا پنج برابر شدن بهای چندین کالای اساسی نظیر: گوشت ، تخم مرغ ، لبنیات ، روغن ، برنج و ماکارونی ، شاهد موجی از اعتراضات توده ای در شهرهای مختلف ایران هستیم . این اعتراضات که از روز سه شنبه ۲۰ اردیبهشت در شهرهای ایزد ، سوسنگرد ، شادگان و ... در خوزستان آغاز شده بود ، این اعتراضات به رغم سرکوبگری نیروهای مسلح رژیم جنایتکار و آدمکش جمهوری اسلامی در روزهای اخیر به سرعت به دیگر شهرهای این استان و شهرهایی از دیگر استانها از جمله چلیچه ، دورود ، بروجرد ، دهدشت ، جونقان ، بهبهان ، بویر احمد ، اهواز ، ماهشهر ، اندیمشک ، سوجه ، خرم آباد ، چهارمحال بختیاری ، هندیجان ، اردبیل ، رشت ، الیگودرز ، شهر کرد ، آبادان ، خرمشهر ، کرمانشاه ، شیراز ، دزفول ، سرپل زهاب و ... کشیده شده و هم اینک در حال گسترش به استان ها و شهرهای دیگر است . اعتراضات توده ای این چند روزه ، همزمان بود با فراخوان سراسری "شورای هماهنگی تشکل های فرهنگی" برای روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت که با شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" و تاکید مجدد بر خواستهای معیشتی و اجتماعی خود به میدان آمده بودند . اعتراضاتی که بر اساس گزارش شورای هماهنگی معلمان، حداقل در ۳۰ شهر برگزار گردید . واکنش جمهوری اسلامی چه در ارتباط با حرکت سراسری معلمان و چه در واکنش به اعتراضات توده ای علیه موج جدید گرانی همانا دستگیری و ضرب و شتم دهها معلم و مردم مبارز و نیز استفاده از گاز اشک آور و تیر اندازی برای مقابله با مردم معترض بود .

در اعتراضات توده ای اخیر ، همچون خیزش های دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ شاهد شعارهای ضدحکومتی و سرنگون طلبانه بودیم . شعارهایی نظیر: "توب ، تانک ، فشفشه ، آخوند باید گم بشه" ، "مرگ بر دیکتاتور" ، "رئیس دروغگو ؛ حاصل وعده هات کو" ، "رئیس حیا کن مملکتو رها کن" ، "مرگ بر رئیس" ، "مرگ بر خامنه ای" و غیره .

در شهر "جونقان" مردم معترض و خشمگین از سر نفرت از مراکز قدرت و سرکوب رژیم اسلامی ، اقدام به تسخیر و آتش زدن پایگاه بسیج کردند و در برخی از شهرها نیز مردم عاصی از موج گرانی و فقر ، به سوپرمارکت های بزرگ حمله کرده و سعی کردند با مصادره مواد غذایی ، بخشی از نیاز خود و خانواده خویش را تامین کنند .

همزمان با اعتراضات سراسری معلمان و گسترش اعتراضات توده ای علیه موج جدید گرانی ، شاهد مقاومت درخشان زندانیان سیاسی و اعتصاب غذای چند تن از آنان از جمله اسماعیل عابدی در دفاع از جنبش معلمان و جنبش های اجتماعی هستیم . جمهوری اسلامی در ادامه پیشبرد سیاست سرکوبگرانه خود ، با یورش به منزل رضا شهبانی (عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران) اقدام به بازداشت او و ضبط تلفن ، کامپیوتر و وسایل شخصی او نمود .

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن حمایت قاطع از دور جدید اعتراضات توده ای علیه گرانی و فلاکت و علیه جمهوری اسلامی ، کارگران ، معلمان و همه اقشار تهیدست جامعه را به برپایی اعتصاب و اعتراض و گسترش اعتراضات برای پایان دادن به فقر و فلاکت و اختناق و جمهوری جنایتکار اسلامی فرا می خواند و از همه فعالین چپ و انقلابی در ایران می خواهد که با حضور موثر در این جنبش ها و تقویت سازماندهی ، تشکل یابی ، همبستگی و بردن شعارهای رادیکال طبقاتی به میان مردم ، به تقویت بدیل و گفتمان سوسیالیستی در جامعه بپردازند و مانع از دست اندازی اپوزیسیون راست بورژوازی بویژه سلطنت طلبان شوند .

همزمان در خارج از کشور ، باید از طریق برپایی آکسیون های حمایتی ، از اعتراضات توده ای و کارگری مردم ایران حمایت کنیم و از همه اتحادیه های کارگری و نهادهای مستقل بشردوستانه و مترقی بین المللی بخواهیم که همبستگی خود با جنبشهای کارگری و اجتماعی ایران را گسترش دهند و بویژه خواستار آزادی فوری همه دستگیرشدگان وقایع اخیر و کلیه زندانیان سیاسی شوند .

**زنده باد جنبش کارگری و انقلابی مردم ایران
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم**

**چهاردهم ماه مه ۲۰۲۲ برابر با بیست و چهارم اردیبهشت ۱۴۰۱
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ، حزب کمونیست ایران ، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ، سازمان راه کارگر ، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

تغییر تاکتیک، نیاز کنونی جنبش معلمان برای مقابله با وحشی‌گری جمهوری اسلامی

شرم‌آور پرونده‌سازی و ارباب معلمان را متوقف کند و یادآور می‌شود دو دهه سرکوب معلمان نه تنها آنان را وادار به عقب‌نشینی نکرده که همواره بر تعداد معترضین در کف خیابان افزوده است."

روز ۱۱ اردیبهشت، معلمان در متجاوز از ۱۰۰ شهر به خیابان‌ها آمدند. واحدهای گارد ضد شورش پلیس، از همان لحظات نخست حضور معلمان، حمله وحشیانه‌ای را به این تجمعات سازمان دادند و هم‌زمان عوامل امنیتی رژیم، تعدادی از معلمان را که در تجمعات حضور یافته بودند، بازداشت کردند.

دستگاه امنیتی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای پرونده‌سازی‌های مرسوم خود، بازداشت‌شدگان شورای هماهنگی را زیر شدیدترین فشارهای بازجویی قرارداد و در واکنش به تهدیدات معلمان برای آزادی فوری و بی‌قیدوشرط فعالان شورای هماهنگی، به شیوه رسوا و مفتضح همیشگی خود برای پرونده‌سازی متوسل شد. نخست ادعا کرد که آن‌ها نفوذی مجاهدین هستند، اما چند روز بعد به یک ادعای پوشالی‌تر و رسواتر دیگر متوسل شد و تلاش کرد شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان را به کشورهای خارجی مرتبط سازد. "وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز چهارشنبه هفته گذشته از دستگیری دو تبعه یک کشور اروپایی در ایران به اتهام تلاش برای ایجاد «آشوب» خبر داد و ادعا کرد که آن‌ها با شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در ارتباط بوده‌اند." این شیوه‌های رسوای پرونده‌سازی رژیم علیه مخالفین سیاسی و فعالان تشکل‌های مستقل، اکنون دیگر چنان در میان مردم ایران رسوا شده است که هر آدم ناگاهی را هم به خنده وامی‌دارد. در همین حال وزیر آموزش و پرورش مزدور رژیم نیز معلمان را تهدید به اخراج کرد.

این اقدامات سرکوبگرانه و تهدید و بازداشت هم نتوانست تأثیری بر عزم و اراده معلمان به ادامه مبارزه برجای بگذارد.

شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان ایران، فراخوان دیگری را برای برپائی تجمعات اعتراضی در ۲۲ اردیبهشت صادر کرد.

در فراخوان شورای هماهنگی با اشاره به یورش قرون‌وسطایی به منازل اعضای شورای هماهنگی در تهران و تهدید، احضار و بازداشت ده‌ها معلم در شهرهای مختلف، آمده بود: "سال‌های بسیاری است که آموزش رایگان و معیشت عادلانه معلمان به گروگان تدابیر و تصمیماتی گرفته‌شده که

دستاوردی جز «تبعیض، بی‌عدالتی، فقر، آموزش ناکارآمد، تریبیت فشل و تولید افسردگی و ناهنجاری» نداشته است.

چگونه است که در مرامنامه‌ی مدیریت شما، اجتماع برای دفاع از حقوق غیر ایرانیان روا، جایز و حتی تکلیف به شمار می‌آید اما وقتی نوبت به دفاع از حقوق فرهنگیان و دانش آموزان ایران‌زمین می‌رسد، این حق مدنی و قانونی، در قالب جعلی و ابزاری «اخلال در نظم عمومی، تشویش اذهان، تبلیغ و تیانی علیه نظام و ضدیت با امنیت ملی» تعریف میشود؟

..... بنابراین، شورای هماهنگی، ضمن پای فشردن مؤکد بر استیفای مطالبات معیشتی و آموزشی فرهنگیان و دانش آموزان، بازداشت‌ها و احضارهای فله‌ای و غیرقانونی معلمان در دو هفته اخیر و برخورد هنجارشکنانه و بعضاً توأم با ضرب و شتم آن‌ها را شدیداً محکوم و اعلام می‌نماید که در صورت آزاد نشدن معلمان بازداشتی طی روزهای آتی، در اعتراض به این رفتار انحصارجویانه و ضد مردم‌سالاری، تجمع خود را این بار در سراسر کشور در روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت با محوریت ویژه حمایت از معلمان بازداشتی و زندانی و همچنان عدم اجرای رتبه‌بندی و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و پولی سازی آموزش برگزار می‌نماید."

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که نمونه منحصر به فردی از دولت‌های سراسر جهان است که با اقدامات وحشیانه واحدهای گارد ضد شورش پلیس، اعتراضات برحق و مسالمت‌آمیز معلمان را سرکوب می‌کند، نه تنها از آزادی معلمان بازداشتی سرباز زد، بلکه بر دامنه تهدید و سرکوب افزود. بنابراین، روز ۲۲ اردیبهشت هزاران معلم در سراسر ایران اولتیماتوم خود را عملی کردند و تجمعات اعتراضی خود را برپا ساختند.

به گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران " از ساعت‌های

آغازین روز پنجشنبه، ۲۲ اردیبهشت، خیابان بهارستان در اطراف ساختمان مجلس شورای اسلامی مملو از نیروهای یگان ویژه و ون‌های نیروهای امنیتی، مأموران لباس شخصی و نیروی انتظامی شده است."

در تمام شهرها نیز وضع بر همین منوال بود و گزارش‌های متعددی از جو سنگین پلیسی-امنیتی و بازداشت ده‌ها تن از معلمان در تهران و چند شهر دیگر انتشار یافت. باین‌همه و به‌رغم این‌که پلیس از صبح زود مراکز تجمع معلمان را اشغال و آماده سرکوب بود، اما معلمان توانستند در ۳۸ شهر کشور تجمعات و تظاهرات خود را همراه با سخنرانی و شعار علیه مقامات رژیم برپا کنند.

حضور زنان در این تجمعات نیز همچون گذشته چشمگیر بود. در گیلان، دانش آموزان هم در تجمع اعتراضی حضور یافتند و با سخنرانی‌های خود از مبارزات و مطالبات معلمان حمایت کردند. واحدهای ضد شورش رژیم وحشیانه این تجمعات مسالمت‌آمیز معلمان را در سراسر کشور مورد حمله قرار دادند. تعدادی از معلمان را مجروح و گروه کثیری را بازداشت کردند. برخی از بازداشت‌شدگان بعداً آزاد شدند، اما ده‌ها تن هنوز در بازداشت به سر می‌برند. چند تن از معلمان زندانی نیز هم‌اکنون در زندان در اعتصاب غذا به سر می‌برند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه ۲۲ اردیبهشت بار دیگر تأکید کرد:

"شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی اقدامات توأم با خشونت با فرهنگیان و بازداشت‌های اخیر را شدیداً محکوم نموده و از جمله خواستار آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی، پایان دادن به برخوردهای توأم با خشونت با فرهنگیان و اتمام پرونده‌سازی‌ها و احضار و تهدید کنشگران صنفی، اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، اجرای درست رتبه‌بندی و

در صفحه ۹



تغییر تاکتیک، نیاز کنونی جنبش معلمان برای مقابله با وحشی‌گری جمهوری اسلامی

همسان‌سازی حقوق بازنشستگان است. سال‌های بسیاری است که آموزش رایگان و معیشت عادلانه معلمان به گروگان تدابیر و تصمیماتی گرفته‌شده که دستاوردی جز « تبعیض، بی‌عدالتی، فقر، آموزش ناکارآمد، تربیت فشل و تولید افسردگی و ناهنجاری » نداشته است.

تا همین لحظه حداقل ۵۰ تن از معلمان در زندان‌های قرون‌وسطایی رژیم گرفتارند. تعدادی از آن‌ها را هم‌اکنون به بیدادگاه‌های رژیم فرستاده‌اند.

ابعاد این وحشی‌گری رژیم علیه معلمان که در تمام جهان کم‌نظیر است، واکنش اعتراضی سازمان‌های بین‌المللی معلمان را نیز در پی داشت که با صدور بیانیه‌هایی اقدامات وحشیانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی علیه معلمان را در ایران محکوم کردند.

آموزش بین‌الملل، فدراسیون جهانی معلمان، با صدور بیانیه‌ای دستگیری فعالان تشکل‌های صنفی معلمان در ایران را محکوم کرد و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان شد.

در این بیانیه همچنین آمده بود: "آموزش بین‌الملل از دولت ایران می‌خواهد: بدون قید و شرط تمام اتهامات علیه فعالین سندیکایی زندانی و مدافعان حقوق انسانی در ایران را لغو کند.

به حقوق معلمان و کارکنان آموزش و پرورش برای سازمان‌دهی و آزادی تشکل و آزادی بیان از جمله حق تجمع مسالمت‌آمیز بدون ترس از مداخله مقامات احترام گذاشته و این حقوق را رعایت کند."

رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی اما همچنان به اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه خود ادامه داده است. بنابراین، معلمان نیز راه دیگری جز تشدید مبارزه ندارند. اما واقعیت این است که تنها با یک شکل از مبارزه نمی‌توان به نبرد با یک رژیم سرکوبگر و آدمکش ادامه داد. معلمان برای مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم که در جریان هر تجمع خیابانی مورد سرکوب قرار می‌گیرند و تعدادی بازداشت و به زندان می‌افتند، نیاز به اشکال نوینی از مبارزه دارند که بتواند تاکتیک‌های

سرکوبگرانه رژیم را خنثی سازد. یکی از اشکال مؤثر مبارزه که خودمعلمان نیز پیش‌از این مکرر به آن اشاره کرده‌اند، اعتصاب است. این شکل از مبارزه نه فقط راهی موثرتر برای تحقق مطالبات معلمان است، بلکه تعداد تلفات را نیز در جریان مبارزه کاهش خواهد داد. تردیدی نیست که موفقیت این شکل از مبارزه مستلزم حضور وسیع‌تر معلمان است. بسیاری از معلمان که اکنون حاضر نیستند از ترس درگیری با پلیس و بازداشت در تجمع‌های خیابانی شرکت کنند، راحت‌تر می‌توانند در اعتصاب شرکت کنند. در هر حال ضروری است که تشکل‌های مستقل معلمان و در راس آن‌ها شورای هماهنگی برای این شکل از مبارزه تدارک ببینند. جای بسی تأسف و شرمساری است درحالی‌که ده‌ها معلم در سراسر کشور به بند کشیده شده و پلیس سرکوبگر رژیم، معلمان شریف را در خیابان‌ها مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد و به زندان می‌اندازد، در شرایطی که در پی قحطی و گرانی نان، شورش‌های گرسنگان و اعتراضات مردم به تنگ آمده از سیاست‌های ارتجاعی رژیم در شهرهای مختلف ایران در حال گسترش است، هنوز جمعیت بزرگی از معلمان کشور در مبارزات، حضوری فعال ندارند، در انفعال به سر می‌برند و نظاره‌گر مبارزه همکاران خود هستند. این معلمان باید برای یاری‌رساندن به جنبش معلمان و تحقق خواسته‌هایی که متضمن نفع مشترک عموم معلمان به‌جز مزدوران و جبرمخوران رژیم است، برای برپائی اعتصاب به همکاران مبارز خود بپیوندند. علاوه بر این به‌ویژه در شرایط بحرانی کنونی جامعه ایران، دانش‌آموزان نیز می‌توانند نه‌فقط در اعتراضات معلمان حضور و نقش فعالی داشته باشند، بلکه قادرند کلاس‌های معلمان اعتصاب‌شکن را که با جنبش معلمان و مبارزات آن همراهی و همکاری نمی‌کنند، تعطیل کنند. به هر روی، اعتلای مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران علیه جمهوری اسلامی واقعیت انکارناپذیر جامعه امروز ایران است. جنبش معلمان نیز از این قاعده برکنار نیست. در این مبارزه پیروزی معلمان و شکست رژیم قطعی است.

گسترش خیزش ستم‌دیدگان برای کار، نان و آزادی

بیش از ۴ دهه حکومت فاشیستی اسلامی است. خواست این مردم ستم‌دیده که با شعار مرگ بر دیکتاتور برای سرنگونی نظم حاکم به‌پا‌خاستند، کار، نان و آزادی است و هیچ جریانی نمی‌تواند این خواست‌ها را از محتوا تهی کند. توده‌های امروز دیگر توده‌های بی‌شکل سال ۵۷ نیستند و گول یک "خمینی" دیگر را نخواهند خورد. اگرچه آن‌ها هنوز به سازماندهی دلخواه و ضروری برای پیروزی بر دشمن نرسیده‌اند، اما خواست‌هایشان مشخص است و کسی نمی‌تواند آن را مصادره یا منحرف کند.

از سوی دیگر همه چیز حکایت از وجود شرایطی مناسب از نظر عینی برای وقوع یک انقلاب دارد. اعتراضات روزانه کارگران در اقصا نقاط کشور، اعتراضات مداوم معلمان و دیگر گروه‌های اجتماعی، اما نقطه ضعف بزرگ این اعتراضات این است که هنوز این جویبارها به هم نپیوسته‌اند تا به رودی خروشان و ویران‌گر برای دگرگونی نظم حاکم تبدیل شوند. هنوز این اعتراضات به هم پیوسته نیستند. اگر اعتراضات در خوزستان شروع شد، لازم است تا در تمامی دیگر نقاط کشور نیز مردم ستم‌دیده به‌پا‌خاسته و همراه با مردم خوزستان خواست‌های مشترک خود را فریاد بزنند. هر چه اعتراضات توده‌ای‌تر شود، توان رژیم برای سرکوب اعتراضات نیز کمتر می‌شود. این یک واقعیت است. همچنین، ترس از سرکوب، زندان و غیره نیز رفته رفته در حال رنگ باختن است. این را حتا در سخنان معلمان در اعتراضات‌شان می‌توان دید. در این مرحله است که شرایط برای اعتصاب سیاسی سراسری نیز فراهم می‌شود و بی‌شک در جریان این اعتراضات، از نظر سیاسی این موقعیت برای طبقه کارگر می‌تواند بوجود آید که مهر خود را بر انقلاب بزند و این تنها راه واقعی برای رهایی از این وضعیت فاجعه‌بار است. مبارزه برای کار، نان و آزادی تنها با انقلاب و برقراری حکومت شورایی تحقق پیدا خواهد کرد.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 970 May2022

تغییر تاکتیک، نیاز کنونی جنبش معلمان برای مقابله با وحشی‌گری جمهوری اسلامی

در پی این بازداشت‌ها و تهدیدها، شورای هماهنگی در ۱۰ اردیبهشت اعلام کرد: "این شورا بار دیگر تأکید می‌کند جنبش اعتراضی معلمان قائم به هیچ شخصی نیست و اعتراضات معلمان متأثر از خواست و اراده تکتک جامعه فرهنگی است.

شورای هماهنگی ضمن محکوم کردن برخورد‌های امنیتی و سرکوب فعالان صنفی، فرهنگیان را به حضور حداکثری در تجمع‌های اعتراضی ۱۱ اردیبهشت دعوت می‌کند و به دولتمردان هشدار می‌دهد که روند قبیح و در صفحه ۸

و معلمان دچار وحشت شده بود، سرکوب گسترده‌ای را علیه معلمان سازمان داد. روز ۱۰ اردیبهشت، نیروهای امنیتی رژیم در تهران و شهرستان‌ها ده‌ها تن از اعضای شورای هماهنگی و تشکل‌های معلمان را بازداشت کردند. در همان حال دستگاه امنیتی با تهدید، تعداد دیگری از فعالان تشکل‌های معلمان تلاش کرد، مانع از این تجمعات اعتراضی گردد که همبستگی معلمان با طبقه کارگر را اعلام می‌کرد. اما این اقدامات سرکوبگرانه رژیم در عزم و اراده معلمان به برگزاری تجمعات ۱۱ اردیبهشت خللی ایجاد نکرد.



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

shora.tv@gmail.com

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی